

بررسی کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری» اثر جرمی بنتام

علی قنبریان^۱

^۱ دانش‌آموختهٔ پسادکتری دانشگاه تهران / فلسفهٔ اخلاق

چکیده

یکی از مکاتب اخلاقی مهم و مشهور و تأثیرگذار، فایده‌گرایی (Utilitarianism) است. فایده‌گرایی در اوایل قرن هجدهم توسط جرمی بنتام (Jeremy Bentham / ۱۷۴۸-۱۸۳۲م) و جان استورات میل (John Stuart Mill / ۱۸۰۶-۱۸۷۳) مطرح شد که مهم‌ترین طرفداران این نظریه و نگاه فلسفی بوده و به‌عنوان فایده‌گرایان سنتی ملقب و مشهورند. از مهم‌ترین مشهورترین آثار دربارهٔ فایده‌گرایی، کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری» (An Introduction to the Principles of Morals and Legislation) است. این کتاب نوشتهٔ جرمی بنتام بوده و در آن مبانی فایده‌گرایی مطرح شده است. در این مقاله کتاب مذکور، براساس معارف اسلامی (آیات و روایات) و نظرات اندیشمندان حوزهٔ فلسفهٔ اخلاق؛ تبیین، تحلیل، و نقد شده است. مطالب کتاب مذکور به‌صورت پراکنده در برخی مقالات و کتاب‌های حوزهٔ فلسفهٔ اخلاق مطرح شده و تاکنون تحلیل و نقد مستقلی به این امر اختصاص داده نشده است.

واژه‌های کلیدی: فایده‌گرایی، جرمی بنتام، جان استورات میل، سود، لذت، کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری».

مقدمه

کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری» دربردارنده مهم‌ترین گزاره‌های فایده‌گرایی بن‌تام و شامل نظریه وی در خصوص مجازات است. این کتاب به‌دست جان استوارت میل جوان ویرایش شد و در سال ۱۷۸۰ چاپ شد. این کتاب، متنی کلاسیک برای مطالعه فلسفه سیاسی و حقوق مدرن و شامل اولین مطالب و بیانیه‌های منسجم و عظیم مربوط به مبانی فلسفه «فایده‌گرایی» است. نگارش و تدوین کتاب هشت سال زمان برده است:

«این اثر اولین بار در سال ۱۷۸۰ منتشر شد... در طول هشت سال من محتوای چندین پژوهش را که به شاخه‌های مختلف قانون‌گذاری مربوط می‌شدند فراهم کردم.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of

(Morals and Legislation, Preface, p. 1

بن‌تام قبل از کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری»، در اثر دیگرش به بحث از سودگرایی پرداخته است: «اندکی پس از انتشار کتابم با عنوان "قطعه‌ای درباره دولت" (۱۷۷۶)، که در آن اصل سودمندی به‌عنوان جامع‌ترین، تأکید می‌کنم، جامع‌ترین اصل در نظر گرفته شد.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of (A Morals and Legislation, Chapter 1: the Principle of Utility, p.

در مقاله حاضر، پنج فصل نخست کتاب مذکور بررسی و برخی از نظریات بن‌تام، با ارائه شواهدی از کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری»، تحلیل و نقد شده است. مهم‌ترین قسمت‌های کتاب، همان پنج فصل است که در آن‌ها به تعریف و اندازه‌گیری و اقسام لذت، درد، و سود پرداخته شده است. باقی‌مانده کتاب (از فصل هفتم تا هفدهم) درباره قانون و مجازات است و اختصاص دارد به نظریه بن‌تام درباره تنبیه. البته به‌اندازه یک صفحه و به‌صورت پراکنده درباره فایده‌گرایی در فصل‌های دیگر بحث شده است. در این مقاله از متن انگلیسی کتاب استفاده شده است: «حق انتشار برای "جانانان بنت" محفوظ است، ۲۰۱۷».

عناوین پنج فصل نخست کتاب عبارت است از:

مقدمه

Preface 1-6

فصل اول: اصل سودمندی:

Chapter 1: the Principle of Utility 6-9

فصل دوم: اصل مخالف اصل سودمندی:

Chapter 2: Principles opposing the Principle of Utility 10-20

فصل سوم: چهار تحریم یا منابع درد و لذت:

Chapter 3: the Four Sanctions or Sources Pain and Pleasure 20-22

فصل چهارم: سنجش لذت و درد

Chapter 4: Measuring Pleasure and Pain 22-23

فصل پنجم: انواع لذت و درد

Chapter 5: The Kinds of Pleasure and Pain 24-29

۱. اصل «زهد / ریاضت Asceticism»

بن‌تام پس از بدیهی شمردن اصل سودمندی که خود به‌عنوان دلیل بر اثبات آن است، به‌ذکر اصول مغایر با اصل سودمندی می‌پردازد:

«یک اصل ممکن است از دو جهت با اصل سودمندی متفاوت باشد: با مخالفت مداوم با آن و این در مورد اصلی است که می‌توان آن را اصل زهد نامید یا با مخالفت با آن در مواردی و موافقت در موارد دیگر

چنان‌که در اصل همدلی و بیزاری (Principle of Sympathy and Antipathy) چنین است. منظور من از اصل زهد، اصلی است که مانند اصل سودمندی، هر عملی را با توجه به نقشی که به نظر می‌رسد در افزایش یا کاهش سعادت طرفی که منفعت او مورد بحث است، تأیید یا رد می‌کند. اما به صورت معکوس، یعنی تأیید اعمال به میزانی که از شادی انسان‌ها می‌کاهد و رد اعمال با توجه به تأثیری که در افزایش شادی دارد... دو دسته از انسان‌ها با منش و ویژگی‌های بسیار متفاوت وجود دارند که به نظر می‌رسد با دلایلی به همان نسبت متفاوت، اصل زهد را پذیرفته‌اند. آن‌ها عبارت‌اند از: اخلاق‌گرایان، که به نظر می‌رسد با سائق "امید" رانده می‌شوند یعنی دورنمای لذت، امیدی که غرور فلسفی را تغذیه می‌کند، امید عزت و شهرت که به دست انسان است. دینداران که به نظر می‌رسد از سر ترس رانده می‌شوند، یعنی دورنمای درد؛ ترسی ناشی از توهم خرافی، ترس از مجازات آینده به دست خدای خشمگین و انتقام‌جو. در مورد دینداران، من ترس را برجسته می‌کنم زیرا به خاطر آینده نامرئی، ترس بسیار قوی‌تر از امید است. این‌ها جزئیات مشخصه دو گروه در میان طرفداران اصل زهد است. دو طرف و دلایل آن‌ها متفاوت‌اند اما اصل یکسان است.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Chapter 2: (Principles opposing the Principle of Utility, p. 10-11

بنتام زهد را در تعارض با اصل سودگرایی و لذت‌گرایی می‌داند اما در جایی دیگر از کتابش تصریح می‌کند که متدینان و خداپاواران لذاتی را می‌چشند که هیچ‌گاه در ذائقه ماتریالیست‌ها و مادیون نیست:

«لذات تقوا با اطمینان انسان به این امر همراه است که اراده خیر یک موجود متعالی را به دست آورده یا از قبل دارد. بنابراین در بهترین شرایط بر خور داری از لذت‌هایی قرار دارد که با وعده خاص خداوند در این زندگی یا در زندگی آینده حاصل می‌شود. این‌ها را می‌توان لذت‌های «دین»، «نگرش دینی» یا «پشتوانه دینی» نیز نامید.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Chapter 2: The Kinds of Pleasure and Pain, p. ۲۵)

بررسی

دو نوع نگرش کلی در ارتباط با لذت شکل گرفته است. برخی مکاتب، دوری از لذت و دفع آن را تجویز می‌کنند و در نقطه مقابل، برخی از مکاتب گرایش و جذب لذت را سرلوحه خود قرار داده‌اند. در دین اسلام راه میانه و معتدل پذیرفته شده است؛ یعنی لذات به طور کلی کنار گذاشته نشده است و از طرفی تمامی لذات مجاز نیست؛ مانند لذت حاصل از انجام کار حرام. هریک از دو نوع نگرش، در طول تاریخ طرفدارانی داشته است. از مکاتبی که زهد و اعراض از لذات را مطرح می‌کنند، می‌توان از رواقیان، کلیون، رهبانیت مسیحی، و ملامتیه نام برد.

از نظر بنتام این اصل مغایر با اصل فایده است؛ زیرا هر عملی را تا زمانی که گرایش به تقلیل شادی (لذت) دارد، درست می‌شمارد و تا هنگامی که تمایل به افزایش آن نشان می‌دهد، نادرست. بنتام گوید: این اصلی است که مورد قبول اخلاق‌گراها و اهل دین است. اخلاق‌گراها آن را می‌پذیرند زیرا امید به اجر اخروی دارند و اهل دین قبولش دارند چون از عقوبت اخروی که خداوند اعمال خواهد کرد، خوف دارند. نباید این اصل را جدی گرفت زیرا نمی‌تواند کسی را به پویایی و حرکت دائمی وادارد. در اسلام بر زهد تأکید شده است اما به نظر نگارنده، هیچ تضادی بین زهد و سودگرایی نیست؛ زیرا زهد به معنای وابسته نبودن به دنیا و دل به دنیا نیستن است. آیات و روایات فراوانی در عین اینکه زهد را پسندیده دانسته بر سعی و تلاش و حضور در اجتماع و خدمت به دیگران تحریک و ترغیب می‌کند: «من أصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم» هرکسی کوشش نداشته باشد که خدمت به مردم مسلمان نماید مسلمان نخواهد بود (محمد بن علی ابن بابویه "شیخ صدوق"، علل الشرائع، ص ۱۳۱). بنابراین با تفسیری که از زهد ارائه دادیم، به نظر می‌رسد تضاد اساسی و زیادی بین سودگرایی و اصل زهد

نیست؛ گرچه قبول داریم، برخی از احکام و محدودیت‌هایی که در ادیان و از جمله اسلام بیان شده است، سبب کاهش شادی و شادکامی ظاهری انسان‌ها می‌شود اما به قول بنتام، متدینان سرخوش از لذتی دیگر هستند که وی آن را «لذات تقوا» می‌نامد. نکته دیگر آنکه، بحث از معاد و حسابرسی روز جزا، از آموزه‌های مشترک تمام ادیان آسمانی است. بنتام با عبارت «ترسی ناشی از توهم خرافی»، تعریضی به دینداری دارد. در عبارت بعدی ایشان «ترس از مجازات آینده به دست خدای خشمگین و انتقام-جو» ذکر شده است. عذاب گناهکاران و ظالمان در آخرت، براساس عدالت تشریعی خداوند است. خدا فقط عذاب‌کننده نیست بلکه رئوف و مهربان و نعمت‌دهنده نیز می‌باشد. در واقع تحذیر از مجازات و توعید به بهشت و نعمت‌های آن، محرک انسان‌ها برای اخلاقی زیستن است.

۲. اصل «ترحم و تنفر» / Principle of sympathy and antipathy

مطابق اصل ترحم، کاری درست است که با میل و دوستی انجام شود نه به دور از میل و رغبت که نه تنها مورد تأیید اصل ترحم نیست؛ بلکه بر نادرستی آن، تأکید دارد. در مکتب بنتام این اصل نیز مغایر با اصل سودمندی است؛ زیرا این اصل با تمام جنبه‌هایش وسیله‌ایست برای اجتناب از تمسک به یک معیار خارجی، و ابزاری است برای تحمیل احساسات بر دیگران. برای بیان مفهوم ترحم و تنفر اصطلاحات و توصیفات مختلف به کار می‌رود؛ نظیر: احساس اخلاقی، احساس مشترک، فهم و شناخت، قوانین ابدی و لایتغیر حق و راستی، اصل بودن امور و اشیاء، قانون طبیعت، عضو برگزیدگان بودن، و طبیعی و غیرطبیعی بودن که به این ترتیب از توجه به معیاری عینی و واقعی اجتناب می‌شود. بنتام با مغایر دانستن اصل ترحم و تنفر با اصل سودمندی، به این نتیجه می‌رسد که این اصل تنها معیار درستی هر عملی است که هرگونه توجیهی را بیش از این نمی‌پذیرد و به آن نیاز هم ندارد؛ یعنی در اندیشه وی تنها اصلی که می‌توان از آن به عنوان معیار در بازشناسی خوب از بد، درست از نادرست، شایست از ناشایست نام برد، اصل سودمندی است و قرار گرفتن هر اصل دیگری به عنوان معیار فعل اخلاقی، جز خرافه پرستی و دوری از سعادت نخواهد بود (غلامعلی احمدی، نقد و بررسی سودگروی در فلسفه اخلاق، ص ۳۴-۳۵).

بررسی (حس اخلاقی "شهود اخلاقی انسان‌ها")

اصل ترحم و تنفر یا همان حس و وجدان اخلاقی در وجود همه انسان‌ها است و جزء فطریات است؛ اگرچه شدت و ضعف دارد. در متون دینی این حس تأیید شده است و یکی از راه‌ها و طرق شناخت درست از نادرست است: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸۷/۹۱) سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد. سپس پلیدکاری و پرهیزکاری‌اش را به آن الهام کرد.

بنابر گفته بنتام، کشتن فرد بی‌گناه برای جلوگیری از فتنه و آشوب، جایز بلکه لازم است؛ درحالی که وجدان و حس اخلاقی، آن را محکوم می‌کند. علاوه بر آن در نمونه ذکرشده، ممکن است بی‌گناهی فرد در نزد افراد جامعه کشف شود، در این صورت آیا بنتام قادر به جلوگیری از بی‌اعتمادی جامعه و هرج و مرجی خواهد بود که گریبان مسئولان را خواهد گرفت؟!

۳. استنباط لذت‌گرایی اخلاقی از لذت‌گرایی روان‌شناختی

بنتام برای اثبات سودگرایی به لذت‌گرایی روان‌شناختی تمسک کرده و گوید:

«بوده‌اند کسانی، هرچند احمق یا منحرف، که در بسیاری از موارد زندگی خود به اصل سودمندی تمکین نکرده‌اند. اما براساس شاکله طبیعی خود انسان‌ها به طور کلی، در اغلب موارد زندگی این اصل را بدون فکر کردن به آن می‌پذیرند.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, p. 8)

یا در جایی دیگر از کتابش گوید:

«سودگرایی یک نظریه بدیع و غیرقابل توجیه و بیهوده نیست. آنچه ارائه می‌کند چیزی نیست جز آنچه که کاملاً مطابق با عملکرد بشر است.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation,)

Chapter 4: Measuring Pleasure and Pain, p. ۲۳

بررسی

در واقع سودگرایی از نمونه‌های بارز لذت‌گرایی اخلاقی است و بنتمام از لذت‌گرایی روان‌شناختی برای اثبات و کارآمدی آن استفاده می‌کند. لذت‌گرایی روان‌شناختی بر این عقیده است که آدمی طالب لذت و از الم روی‌گردان است. حال آنکه لذت‌گرایی اخلاقی بر این باور است که انسان باید در پی لذت باشد و از الم اجتناب ورزد، یا اصل فایده باید معیار اصول اخلاقی ما باشد. آن یک به ما می‌گوید که انسان چه انجام می‌دهد و دیگری می‌گوید که آدمی چه باید انجام دهد. ایراد به نظریه بنتمام این است که استنباط «باید» از «هست» روشن نیست (نیکولاس کاپالدی، بنتمام میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۵۰). از نظر برخی از فلاسفه همچون دیوید هیوم، استنباط باید از هست اشتباه است.

استنباط باید از هست، در دلیل خودگرایان اخلاقی نیز وجود دارد زیرا یکی از دلایل خودگرایی اخلاقی، تأکید بر خودگرایی روان‌شناختی است که معتقد است انسان‌ها به‌طور طبیعی خودگرا بوده و حبّ ذات تنها انگیزه‌ای است که بر جمیع رفتارهای اختیاری آدمی حکمفرماست.

جان استوارت میل هم به این ایراد توجه داشته است. او به‌خلاف بنتمام اظهار می‌دارد که میان «هست» و «باید» تفاوت وجود دارد. این تفاوت چندان بزرگ است که هرگز نمی‌توان برای استنباط گفته‌ای درباره چیزی که باید باشد گفته‌ای واقعی به‌کار برد. در نتیجه، میل مدعی است که استنباط «باید» از «هست» غیرممکن است ولی با این حال اظهار می‌دارد که تنها مبنا برای تثبیت «باید» توجه به واقعیاتی است که مردم واقعاً طالب آن‌اند (نیکولاس کاپالدی، بنتمام میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۱۹۱). جان استوارت میل می‌نویسد: اگر طبیعت بشری چنان سرشته شده باشد، که چیزی را که نه بخشی از سعادت (لذت) است و نه وسیله‌ای برای تحصیل سعادت، طلب نکند، هیچ برهان دیگری بر این که این‌ها تنها موضوعات مطلوب‌اند، نمی‌توان داشت و به برهان دیگری هم نیاز نیست (ویلیم. کی. فرانکنا، فلسفه اخلاق، مترجم: انشاءالله رحمتی، ص ۱۹۳-۱۹۴).

۴. لذت، غایت افعال موجودات

بنتمام عملی را شایسته می‌داند که نسبت به سایر اعمال بدیل و هم‌عرض خود بیشترین لذت را فراهم آورد. رویکرد او به این مسئله مبتنی بر اصالت لذت روانی است که براساس آن طبع انسان به‌طور طبیعی لذت را می‌جوید و الم را دفع می‌کند (فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه: از بنتمام تا راسل، ج ۸، ص ۲۳). از نظر بنتمام لذت (Pain) و الم (Pleasure)، تعیین‌کننده انگیزه انجام دادن یا ترک فعل هستند. او به‌صراحت در کتاب «اصول اخلاق و قانون‌گذاری» ادعا می‌کند که لذت بر تمامی انسان‌ها حکومت دارد و تمامی افعال انسان‌ها، برای دستیابی به لذت است:

«طبیعت، بشر را تحت حاکمیت دو ارباب فرمانروا (Sovereign masters)، یعنی درد و لذت قرار داده است. فقط آن دو به ما می‌گویند چه باید بکنیم و همچنین تعیین می‌کنند چه کاری خواهیم کرد. از یک‌سو معیار درستی و نادرستی و از سوی دیگر سلسله علل و معلول‌ها به آن‌ها وابسته است. آن‌ها در هر کاری که انجام می‌دهیم، در هر سخنی که می‌گوییم و به هر چه که می‌اندیشیم، بر ما حکومت می‌کنند. هر نوع تلاش برای فرار از تسلط آن‌ها فقط به آشکار شدن و تأیید بیشتر آن‌ها منجر خواهد شد. هرچند، در سخن ممکن است کسی وانمود کند که امپراتوری آن‌ها را ترک می‌کند اما در واقعیت امر، او برای همیشه نسبت به لذت و الم، منفعل باقی خواهد ماند. اصل سودمندی این استیلا را به رسمیت می‌شناسد و آن را شالوده نظامی فرض می‌کند که هدف آن تحکیم تاروپود سعادت به‌وسیله عقل و قانون است. نظام‌هایی که سعی می‌کنند آن را زیر سؤال ببرند، الفاظ را به جای معنا، هوس را به جای عقل (Reason) و تاریکی را به جای نور عرضه می‌کنند.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Chapter 1: the

۶ Principle of Utility, p.

بررسی

منتقدان بنتام برای ارائه نمونه‌ای متضاد، زندگی شهدا و پارسایان را مثال می‌آورند. بنتام در پاسخ آنان می‌گوید طالبان شهادت و پارسایان متوقع‌اند که خدا اجرشان را دهد یا رنج کنونی‌شان به ترتیبی جبران شود. رفتار طالبان شهادت و پارسایان نیز سر در میل به لذت دارد. بنتام لذت را فی‌نفسه خیر و درد را بدون استثنا شر می‌داند و این حکم را به همه دردها و لذت‌ها تسری می‌دهد و میان آن‌ها تمایزی قائل نمی‌شود. بدین ترتیب لذت و الم مبنای انجام دادن فعل یا انجام ندادن آن قرار می‌گیرند. بنابراین، عمل درست تابع لذت است. به باور او، نه تنها دیدگاه اخلاقی خاص او، بلکه همه نظریه‌های اخلاقی، دست کم نیم‌نگاهی به اصل بالاترین خوشی دارند؛ حتی می‌توان گفت انگیزه رفتار شهادت‌طلبان و پارسایان، میل به لذت است (نیکولاس کاپالدی، بنتام میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۴۱).

۵. اشکال به فرمول لذت‌سنج بنتام

از نظر بنتام، می‌توان بین لذات سنجید و لذت بزرگ‌تر و بهتر را انتخاب کرد؛ همان‌طور که می‌توان با نادیده گرفتن آلام بزرگ‌تر به الم‌های جزئی و کوچک‌تر بسنده کرد. قبل از بنتام، اپیکور فرمول لذت‌سنج را در ارتباط با مقایسه و سنجش لذات ابداع و مطرح کرد؛ چنان‌که اپیکور قبل از جان استوارت میل، به بحث از کیفیت لذات پرداخته است. نوآوری بنتام و میل این بود که نسخه کامل‌تر و کارآمدتری از فرمول لذت‌سنج و کیفیت لذات ارائه کردند. از دیدگاه بنتام آنچه موجب تمایز لذتی از لذت دیگر می‌شود، پیشی گرفتن هریک از لذت‌ها بر سایر لذت‌ها براساس معیارهای هفت‌گانه است (اعظم ایرجی‌نیا، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، «بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرا و سودگرایی بنتام»، ص ۱۳۰).

از منظر بنتام میزان لذت و رنجی که پیامد فعل است انگیزه انجام دادن یا تحقق نبخشیدن فعل را رقم می‌زند. وی محاسبه سود را بر میزان شدت (Intensity)، پایداری (Duration)، قطعیت (Certainty)، نزدیکی (Propinquity)، بارآوری (Fecundity)، خلوص (Purity)، و شمول و گستردگی (Extent) لذت بنا می‌نهد که به واسطه آن‌ها لذات و آلام در مقایسه با هم رتبه‌بندی می‌شوند و ارزیابی‌ای از میزان لذتی که افعال دارند، به دست می‌دهند. چهار معیار اول لذت و آلام فردی را ارزیابی می‌کنند و معیارهای پنجم و ششم در رابطه با اعمال و معیار هفتم زمانی که مصالح جامعه در میان باشد، کارایی دارند. او برای هریک از این هفت معیار ضریبی قائل می‌شود و حاصل جمع آن‌ها را معرف لذتی می‌داند که فرد از آن بهره‌مند است (ژکس، فلسفه اخلاق: حکمت عملی، ص ۵۲). و فعلی که بیشترین میزان لذت را به خود اختصاص دهد، فعل اخلاقی معرفی می‌شود. از این‌رو او بسان ماشین حساب‌های رایج، ماشین حساب لذت یا به تعبیری دیگر خوشی‌سنجی (Felsitic calculus) را پدید آورد (فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه: از بنتام تا راسل، ج ۸، ص ۲۷).

بنتام هفت ویژگی را برای سنجش لذات و دردها مطرح کرده است. در تبیین فرمول لذت‌سنج گوید:

«ارزش ذاتی یک لذت یا درد برای شخص بنفسه به این ترتیب بیشتر یا کمتر خواهد شد: شدت آن (Intensity)؛ مدت آن (Duration)؛ قطعیت یا عدم قطعیت آن (or uncertainty Certainty)؛ نزدیک یا دور بودن آن (Nearness or remoteness). این‌ها شرایطی است که باید در برآورد لذت یا درد در نظر گرفته شود اما وقتی ارزش یک لذت یا درد با هدف تخمین زدن قابلیت آن در تولید لحاظ شود، دو حالت دیگر را باید در نظر گرفت: باروری آن، یعنی به دنبال داشتن احساساتی از همان نوع (لذت با لذت، درد با درد) Fecundity؛ خلوص آن، یعنی احتمال آنکه با احساساتی از نوع مخالف (لذت با درد، درد با لذت) Purity همراه نباشد. برای بسیاری از مردم ارزش یک لذت یا درد با توجه به هفت وضعیت بیشتر یا کمتر خواهد بود. شش مورد قبل و یکی دیگر، یعنی وسعت آن. یعنی تعداد افرادی که لذت و درد به آن‌ها گسترش می‌یابد یا (به عبارت دیگر) تعداد افرادی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.»

(Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Chapter 4: Measuring Pleasure)

(and Pain, p. ۲۲)

بدین ترتیب او سودگرایی لذت‌محور خود را چنان بر معیارهای کمی هفت‌گانه لذت بنا نهاده است که می‌توان نظریه او را لذت‌گرایی کمی (Quantitative Utilitarianism) نامید (محمد حسینی سورکی، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، «بررسی و نقد سودگرایی اخلاقی»، ص ۹۲).

بنتام همچنین چهارده نوع مختلف از لذات ساده را فهرست کرد که از قدرت، ثروت، مهارت، نیکنامی، و آخر ولی نه کم‌اهمیت‌تر از همه، بدخواهی ناشی می‌شود. همچنین دوازده «رنج ساده» را مشخص کرد که از نومی‌دی تا میل را... دربرمی‌گرفت (پل استراتن، آشنایی با جان استوارت میل، ص ۱۳).

بررسی

هیچ قسمتی از نظریه اخلاق بنتام بیش از این نظرش که لذات و آلام قابل اندازه‌گیری هستند مورد توجه و انتقاد قرار نگرفته است. از نظر پل استراتن، لذت اعم از فردی و اجتماعی، غیرقابل اندازه‌گیری دقیق است (پل استراتن، آشنایی با جان استوارت میل، ص ۱۳). گفته شده که کسی لذت و الم را محاسبه نمی‌کند. ثانیاً حتی اگر انسان بتواند چنین کند این محاسبه را به شیوه بنتام انجام نمی‌دهد. ثالثاً معیارهای متغیر بنتام غیرقابل مقایسه‌اند: یعنی، نمی‌توان مدت را به همان نحو اندازه گرفت که قطعیت را، یا این یک را به نحوی سنجید که دوری یا نزدیکی را. رابعاً به نظر نمی‌رسد سخن گفتن از اندازه‌گیری لذت با توجه به سلیقه‌ها و اختلافات فردی چندان مفهومی داشته باشد. خامساً به نظر می‌رسد لذات به لحاظ کیفی متفاوت‌اند. وبالاخره اینکه اگر روان‌شناسان حتی توانسته باشند ملازمان جسمانی لذت را اندازه بگیرند ولی هنوز نتوانسته‌اند احساس هوشمندانه لذت را محاسبه کنند. کارلایل نیز اندازه‌گیری لذات را در کنار خوشبختی و فردیت مورد انتقاد قرار می‌دهد (نیکولاس کاپالدی، بنتام میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۷۹).

۱.۵. عدم آگاهی از تمام آثار و نتایج اعمال

منتقدان می‌گویند: چنین حساب لذات و دردها در سودگرایی یک اشکال نظری دارد زیرا ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم درستی یا نادرستی عملی را تشخیص دهیم مگر آنکه قبلاً همه آثار و نتایج آن را شناخته باشیم. باید مدت نامحدودی پیش از اعلام درستی یا نادرستی یک عمل منتظر بمانیم؛ چراکه آن عمل می‌تواند بی‌نهایت آثار و نتایج داشته باشد. منتقدان در ادامه می‌گویند: اصالت فایده به این منظور تقریر شده است تا معیاری عینی و عملی و راهگشا برای تعیین درستی یا نادرستی اعمال باشد؛ اما اگر ما نتوانیم اصل فایده را تا روشن شدن وضعیت همه آثار و نتایج به کار ببریم ارزش عملی و راهگشا بودن آن بی‌فایده و منتفی است؛ بخصوص که اساساً از یک اصل اخلاقی انتظار داریم که پیشاپیش و قبل از انجام عمل ما را در داوری درست بودن یا نادرست بودن آن عمل یاری کند. بنتام نیز به این اشکال و نقص توجه داشته است:

«نمی‌توان انتظار داشت که این روند قبل از هر قضاوت اخلاقی یا هر عملیات قانونی یا قضایی به شدت و دقت دنبال شود. اما همیشه می‌توان آن را در نظر داشت و هرچه فرآیندی که در این مواقع دنبال می‌شود به آن نزدیک‌تر شود، آن‌ها به دقت نزدیک‌تر خواهند بود.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and

Legislation, Chapter 4: Measuring Pleasure and Pain, p.

فایده‌گرایان معمولاً در رد این انتقاد می‌گویند:

درستی یا نادرستی عمل را می‌توان با در نظر گرفتن درجه قوت و ضعف «احتمال» چگونگی نتایج آن تعیین کرد. یعنی انسان باید عملی را انجام دهد که برحسب نظریه محاسبه احتمالات به نظر برسد که عاقبت نتایج مطلوب داشته باشد (مجتبی گلستانی، بخش‌هایی از کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری، ص ۲۱).

۲.۵. اهمیت ندادن به کیفیات لذات

برخی لذت‌گراها مانند آریستیپوس و جرمی بنتام به کیفیت لذات اهمیت نمی‌دهند و برخی دیگر مانند اپیکور و جان استوارت میل، کیفیات لذات را محاسبه می‌کنند. بنتام گفته است در صورت برابر بودن کمیت لذت، بازی کودکان همان قدر خوب است که شاعری (ویلیام. کی. فرانکنا، فلسفه اخلاق، مترجم: انشاءالله رحمتی، ص ۱۹۱).

بنتام در کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری» چهار منبع و پشتوانه را برای لذت و درد در نظر گرفته است: جسمانی؛ سیاسی؛ اخلاقی؛ مذهبی و تصریح می‌کند که هیچ تفاوتی بین لذت‌ها و دردها نیست مگر در کمیت:

«هیچ تفاوت ذاتی بین لذت‌ها و دردهای ناشی از هریک از پشتوانه‌ها وجود ندارد. آن‌ها فقط از لحاظ شرایطی که با تولید آن‌ها همراه است متفاوت هستند.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and

Legislation, Chapter 3: the Four Sanctions or Sources Pain and Pleasure, p.

اما در مقابل فایده‌گرای آرمان‌گرا عقیده دارد که حاصل جمع خوبی یا بدی نتایج می‌تواند به اموری غیر از امور لذت‌بخش یا دردناک مبتنی باشد. فایده‌گرای آرمان‌گرا در محاسبات و جمع و تفریق خود در کنار لذت و درد به اموری چون معرفت و تأمل در اشیاء زیبا هم عنایت دارد یا به تعبیر بعضی از آن‌ها لذات به دو دسته لذات عالی و دانی تقسیم شده‌اند (مجتبی گلستانی، بخش‌هایی از کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری، ص ۱۶).

اهمیت ندادن به کیفیات لذات، یکی از قدیمی‌ترین ایرادات به نظریه اندازه‌گیری است. کارلایل تئوری بنتام را «فلسفه خوک‌ها» می‌نامید و آن را به این دلیل که چنین زندگی‌یی فقط به کار خوک‌ها می‌آید نه انسان‌ها، طرد می‌کرد. جان استوارت میل سعی کرد با ایجاد تفاوت میان کیفیات و کمیت لذات از این نظریه دفاع کند.

به‌خاطر همین اشکال، جان استوارت میل که از پیروان بنتام بود، گفته است: برخی از لذایذ برتر از لذت‌های دیگر هستند. برای مثال لذات عقلانی در مرتبه‌ای بالاتر از لذت‌های نفسانی قرار دارند. علاوه بر این، میل اظهار داشته است که آدمی طبعاً نوع‌دوست است؛ یعنی زمانی فرد به نهایت شادی می‌رسد که دیگران به بیشترین شادکامی دست یابند (نیکولاس کاپالیدی، بنتام میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۴۸ و ۸۱). به بیان دیگر میل میان کیفیت لذات تفاوت قائل است، تفاوتی که مستقل از کمیت آنست. بنابراین، میل برای ارزیابی لذت، روشی متفاوت را پیشنهاد می‌نماید. روشی که کمی نیست. در واقع، میل ضمن پذیرش اصل فایده و انحصار خوشبختی در لذت، انحصار معیار سنجش لذت به شدت و طولایی آن از سوی بنتام را نپذیرفت و عنصر کیفیت را نیز داخل کرد و به وجود و رجحان لذت‌های معنوی، چون آفرینش هنری، اشاره کرد تا فایده‌گرایی را از انتقادات رهایی دهد (جان استوارت میل، فایده‌گرایی، ص ۲۳).

۶. نادیده گرفتن لذات اخروی

از اشکالات دیدگاه لذت‌گرایی، پایه‌ریزی آن بر یک نظام مادی‌گرایانه است. این گروه عموماً لذت را در لذت‌های این‌جهانی خلاصه نموده‌اند؛ اما اگر کسی به خداوند و زندگی پس از مرگ معتقد باشد، بسیاری از لذت‌ها و رنج‌ها برای او پدید می‌آید که باید به آن‌ها نیز توجه کند. پس تنها دست‌یافتن به لذت‌های دنیوی نمی‌تواند ملاک و معیار ارزش اخلاقی باشد. گفتنی است که این ایراد نشان نقص جهان‌بینی پیروان این دیدگاه است. اگر مرگ را پایان زندگی بدانیم چاره‌ای جز آن نداریم که لذت‌ها و آلام را هم ویژه همین دنیا بدانیم (امیر خواص و اکبر حسینی قلعه‌بهمن و احمد دبیری و احمدحسین شریفی و علی پاکپور و محمدتقی اسلامی، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ص ۴۶).

در کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری» لذات و مصلحت اخروی به هیچ‌وجه مطرح نشده است و مردم را به‌سوی آن سوق نداده است و محصور در دنیا و لذات آن شده‌اند. بنتام نگاه خویش را محدود به مردم جامعه، نهادهای دولتی و قانون‌گذاری، و مبحث مجازات کرده است:

«زمانی می‌توان گفت که عملی با اصل سودمندی مطابقت دارد، که گرایش آن عمل برای افزایش شادی جامعه بیشتر از گرایش به سمت کاهش آن باشد. همین نکته، در اقدامات دولت نیز صادق است که صرفاً نوعی از عمل است که به‌دست فرد یا افراد خاص انجام می‌شود.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and

(Y and Legislation, Chapter 1: the Principle of Utility, p.

در فراز فوق، بنّام در حال تبیین اصل سودمندی است و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، محدود به جامعه و زندگی دنیایی شده است. بنّام نگاهی مثبت و خوش‌بین به دین و متدینان نداشته و با نسبت دادن زهد و ریاضت به دینداران، برخی از اعمال آن‌ها را مغایر با اصل سودمندی دانسته است.

بررسی

از دیدگاه معارف اسلام، لذت و الم، به‌طور کلی، به دو قسم مادی و معنوی تقسیم می‌شوند و چون قوام شخصیت حقیقی انسان به روح اوست، از دیدگاه اسلام، لذت اصیل، پایدار، و حقیقی، لذت روحی است. از این‌رو، در تراحم لذات مادی با لذات معنوی، باید لذات مادی را فدای لذات روحی و معنوی کرد (محسن غروی‌ان، فلسفه اخلاق، ص ۱۳۴).

۷. پذیرش تمامی لذات

در سودگرایی هیچ لذتی نفی و طرد نشده است؛ حتی لذاتی که شهودات اخلاقی انسان‌ها یا دیگر مکاتب اخلاقی آن‌ها را ناپسند دانسته، اگر موجب شادکامی و سود شود، شایسته بلکه بایسته دانسته شده است. مسلماً باید لذت‌های مادی در قالب قوانین الهی یا مردمی محدود شود، تا تراحمی پیش نیاید و انسان به‌خاطر حفظ نظم و آرامش در جامعه، از بسیاری لذت‌های نامشروع و کشش‌های حرام چشم‌پوشد.

بنّام در فصل پنجم کتاب، لذات را بررسی و دسته‌بندی کرده اما از هیچ‌کدام نهی نکرده است. نهایت مطلبی که بنابر اصل سودمندی از عبارات بنّام می‌توان استفاده کرد، این است که لذات فروتر قربانی لذات برتر شده و کنار گذاشته شوند:

«پس از بیان آنچه در انواع لذت‌ها و دردها مشترک است، اکنون انواع دردها و لذت‌ها را جداگانه بررسی می‌کنم. دردها و لذت‌ها را می‌توان با یک کلمه کلی نامید: ادراکات جالب. ادراکات جالب، ساده یا پیچیده هستند. ادراکات پیچیده آن‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را به ادراکات مختلف ساده‌تری تقسیم کرد. ادراکات ساده را نمی‌توان تقسیم کرد. یک ادراک جالب پیچیده می‌تواند از لذت‌ها به‌تنهایی، دردها به‌تنهایی، یا ترکیبی از یک یا چند لذت و یک یا چند درد تشکیل شود.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and

(Legislation, Chapter 5: The Kinds of Pleasure and Pain, p. 24

بررسی

این در حالی است که، در ادیان آسمانی مانند اسلام و در میان برخی از مکاتب فکری، مانند رواقیون، اپیکور، کلیون، بین لذات جرح و تعدیل شده و از برخی لذات نهی کرده‌اند. در اسلام نیز با عنوان محرمات، از برخی لذات مانند خوردن مال یتیم نهی شدید شده و با عنوان مکروهات، از برخی از لذات مانند پرخوری، نهی خفیف شده است. اپیکور نیز هر لذتی را شایسته انتخاب نمی‌داند؛ بنابراین هر لذتی بر حسب طبیعت خودش یک خیر است اما از اینجا نتیجه نمی‌شود که هر لذتی ارزش انتخاب دارد. درست همان‌طور که هر المی یک شر است و مع‌هذا از هر المی نباید پرهیز کرد (حسن معلمی، مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی، ص ۳۲).

از فلاسفه معروف یونان باستان، سقراط و افلاطون و ارسطو نیز، به طور مطلق لذات را نپذیرفته و بین آن‌ها جرح و تعدیل کرده و برخی را ناپسند شمرده‌اند. سقراط لذت را معیار خوب و بد معرفی می‌کند ولی با توجه به مطالب دیگر او، نظر وی لذت‌های مادی و شهوانی نیست (حسن معلمی، فلسفه اخلاق "مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی"، ص ۱۳۰). افلاطون برای درک مفهوم لذات خوب و تمییز آنان از لذات بد، از فردی یاد می‌کند که به خارش تن مبتلا است و با خاراندن تن لذتی برایش حاصل می‌شود. افلاطون می‌گوید این لذت، نیک‌بختی نیست؛ چراکه از نوع لذات خوب محسوب نمی‌شود. وی با این مثال کسانی را که در منجلاب شهوت فرو رفته‌اند و زندگی خود را قرین خوشبختی می‌دانند، زیر سؤال می‌برد (افلاطون، دوره آثار افلاطون، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶).

ارسطو به سان استاد خود سعادت و نیک‌بختی انسان و جامعه را در پیروی از عقل می‌داند، از این رو لذاتی را که مانع سعادت انسان است طرد می‌کند. وی می‌گوید: کسی که دنبال همه لذایذ می‌رود و از هیچ لذتی رویگردان نیست، آدمی بی‌بندوبار و منحط می‌شود (ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ج ۱، ص ۳۹-۴۱).

۸. نادیده گرفتن منش (حسن فاعلی) و توجه بیش از حد به کنش (حسن فعلی)

بنتام در هیچ‌جای از کتاب خویش، اشاره به نیت (Intention) فاعل نکرده است. فایده‌گرایان با تأکید بر فایده اعمال به عنوان معیار اخلاقی سبب شده‌اند تا انسان به احساسات اخلاقی خویش بی‌توجه شود. بنابراین آنان از این حیث مسئول‌اند. شاگرد و بهترین مروج اندیشه‌های بنتام، جان استوارت میل، در پاسخ تکرار می‌کند که انگیزه برای ارزیابی عامل و کننده کار مهم است نه برای داوری اخلاقی یک عمل. بهترین دلیل برای خصیصه‌ای اخلاقی آن است که منجر به اعمال خوب شود (نیکولاس کاپالدی، بنتام میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۱۰۸).

بررسی

در آیات گوناگونی، خداوند به طور کلی بیان فرموده است که: ایمان و عمل شایسته، عامل پیروزی و رستگاری بوده و برای رفتن به قرب الهی، بایستی با دو بال ایمان و عمل صالح حرکت نمود، و این متعلق به شخص، ملت یا دوره خاصی نیست: {وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَبْرَأُوا} (رعد: ۲۹/۱۳) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند خوشا به حالشان و خوش‌سرانجامی دارند. {وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ}. و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اهل بهشت‌اند و در آن جاودانه‌اند (بقره: ۸۲/۲).

۹. نقض قواعد اخلاقی سنتی و حقوق و آزادی‌های افراد

فایده‌گرایی فطری بودن برخی اصول اخلاقی را انکار می‌کند. بنتام در سرتاسر کتابش به صورت مطلق، تأکید بر افزایش سود و خوشبختی و کاهش ناراحتی و ضرر دارد بی‌آنکه قیدی آورده و حکم کلی خویش را محدود کند. این به معنای آن است که هرکاری برای ارتقاء سود جایز است اگرچه برخلاف وجدان و آداب و رسوم شکل گرفته جوامع باشد:

«منظور از سودمندی ویژگی خاصی در هر شیئی است که به موجب آن گرایش به تولید فایده، منفعت، لذت، خیر یا سعادت دارد (در مورد هر فعلی همه به یک معنا است یا به یک چیز برمی‌گردد) که از رسیدن آزار، درد، شر، و ناراحتی برای طرفی که مصلحت او در نظر است، جلوگیری کند. اگر آن طرف جامعه به صورت عام باشد، سعادت جامعه و اگر فرد خاصی باشد، سعادت آن فرد خواهد بود.» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of)

(۶ Morals and Legislation, Chapter 1: the Principle of Utility, p.

فایده‌گرایی اصرار و عقیده دارد که بسیاری از اعمال که خطا هستند و به طور متعارف نیز همگی، آن‌ها را خطا می‌دانند اگر بدون تناقض بر طبق نظریه فایده‌گرایی به کار برده شوند درست خواهند بود. به عنوان مثال مرد فقیری که برای تغذیه خانواده‌اش از شخصی ثروتمند دزدی می‌کند، یا مادری که قول و وعده پرداختن مقدار مشخصی پول را به فرزندش که کاری را برای او انجام داده به دلیل داشتن مورد استفاده بهینه‌تر از همان پول نقض می‌کند، یا شهروند پرمشغله‌ای که در روز رأی‌گیری پای صندوق اخذ رأی حاضر نمی‌شود، همه و همه مواردی هستند که می‌توانند مجاز شمرده شوند (مجتبی گلستانی، بخش‌هایی از کتاب مقدمه‌ای بر

اصول اخلاق و قانون‌گذاری، ص ۱۸). بنابراین، در پاره‌ای از وضعیت‌های نادر فایده‌گرایان مجاز به نقض قواعد اخلاقی سنتی هستند به شرط آنکه با این کار توازنی میان سعادت و شادکامی و شقاوت و تلخ‌کامی عمومی ایجاد کنند.

تمثیل:

اگر یک جراح مغز که به فایده‌گرایی قائل است و یک گدای غیرمتخصص و غیرمتفکر بر قایقی که در حال غرق شدن است و فقط یک نفرشان را می‌تواند حمل کند سوار باشند آن وقت جراح می‌تواند عقیده داشته باشد که مجاز است تا گدا را به آب بیاندازد. در اینجا جراح قاتل با نجات دادن زندگی خود و مهارت‌های پزشکی‌اش شادکامی و سعادت بیشتری برای اکثر مردم به بار خواهد آورد تا گدایی که معلوم نیست چه وقت می‌تواند مفید واقع شود (مجتبی گلستانی، بخش‌هایی از کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری، ص ۱۶-۱۸).

بررسی

الکساندر بین (Alexander Bain / ۱۱ ژوئن ۱۸۱۸ - ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۳) برای اصالت فایده، در مقایسه با نظریه حس اخلاقی، این امتیاز را قائل بود که معیار عینی‌ای از اخلاقیات به‌دست می‌دهد و توجه به پیامدهای یک عمل را، جانشین احساس یا احساسات نسنجیده می‌کند... با این حال معتقد است که اصالت فایده نمی‌تواند همه حقایق مربوط به اخلاق را در بر داشته باشد... زیرا قواعد اخلاقی‌ای که در اغلب جوامع رایج‌اند، تا حدودی بر احساسات تکیه دارند نه فقط بر فایده‌مندی. پس باید احساسات و سنت را به اصل فایده‌مندی افزود (حسن معلمی، مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی، ص ۱۰۴). لازم است الکساندر بین، با معاصر (۱۲ اکتبر ۱۸۱۰ - ۲ ژانویه ۱۸۷۷) و همنام اسکاتلندی‌اش که مهندس بوده و برای اولین بار ساعت الکتریکی را اختراع و ثبت کرد، اشتباه گرفته نشود.

از نظر فایده‌گرایان، اگر با شرایطی روبه‌رو شویم که بیشینه‌سازی خیر عمومی در کل جامعه، مشروط به پایمال کردن حقوق فرد یا گروهی باشد، بنابر اصل (بیشینه‌سازی خیر)، نه‌تنها مجاز به انجام چنین کاری هستیم، بلکه انجام این کار وظیفه اخلاقی ماست. جمله زیر از جان استوارت میل، به‌خوبی نشان می‌دهد که فایده‌گرایی و اصل «بیشینه‌سازی خیر» چگونه می‌توانند به تضییع حقوق بشر و حریم خصوصی، خودآیینی، و آزادی‌های افراد بینجامند: «این یک وظیفه است که غذا یا داروی لازم را بدزدیم یا به‌زور به‌دست آورده‌ایم، یا پزشکی را، وقتی تنها عنصر کارآمد درمان است، برابیم و وادارش کنیم که وظیفه خود را انجام دهد (شیرزاد پیک‌حرفه، خاستگاه نخستین تاریخچه واکاوی و نقد گونه‌های کلاسیک و مدرن فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق انگلو ساکسن و انگلو امریکن، ص ۱۱۰). رالز، با اشاره به این جمله میل، به تقابل و تضاد آن با حقوق و آزادی‌های افراد اشاره می‌کند: «بنابراین، اساساً (بنابر اصل بیشینه‌سازی خیر در فایده‌گرایی) حفظ بیشتر یک عده بر حفظ کمتر دیگران می‌چربد؛ و مهم‌تر آنکه می‌توان آزادی یک عده کوچک را قربانی خیر بیشتر افراد بیشتری کرد» (John Rawls, A Theory of Justice, p.26).

این درحالی است که برخی از اعمال اگرچه سبب بیشترین شادکامی شوند، با وجدان و حس اخلاقی انسان‌ها که فطری است، سازگاری ندارد: {إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا} (انسان: ۳/۷۶). خدا راه نجات را به انسان نشان داده است و این اوست که باید تصمیم بگیرد که آن را دنبال کند یا گمراه شود.

از دیدگاه اسلام، قواعد و بنیان‌های اساسی اخلاق ریشه در فطرت آدمی دارد. البته برخی از سردمداران این مکتب مثل جان استوارت میل خود به فطری بودن پاره‌ای از ارزش‌های اخلاقی مثل همدردی اعتراف کرده‌اند (محسن غروی‌ان، فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام، ص ۷۵-۷۶). مرتضی مطهری در نقد نظر اخلاقی راسل، نفع‌گرایی را نقد می‌کند: «حرف راسل در واقع انکار اخلاق به‌عنوان یک ارزش است. چون اخلاق را در سود پیاده کرده است... اخلاقی را که راسل پیشنهاد می‌کند فاقد ارزش متعالی و قداست است. [ازیرا در نظر وی] اخلاق چیزی مافوق منفعت نیست و خود منفعت است... (مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱۵۵) [درحالی‌که] اخلاق مساوی است با ارزش و قداست و چیزی مافوق منافع و حیوانیت. اخلاق یعنی انسانیت و انسانیت یعنی ارزش مافوق حیوانیت و منافع مادی.» (مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱۵۷)

۱۰. مطالبات طاقت‌فرسای فایده‌گرایی

اصل «بیشینه‌سازی خیر» در آثار جرمی بنتام و جان استوارت میل به کار گرفته شده است. فایده‌گرایان نخستین، مانند بنتام و میل، به این نکته توجه داشتند که شمول مطلق این اصل می‌تواند مطالبات اخلاقی طاقت‌فرسایی را بر دوش فاعل بنهد. از این روی، می‌کوشیدند تا آنجا که می‌توانند، با ترفندهایی گسترده این اصل را ناگسترده کنند؛ بنتام، در بند سوم فصل نخست اصول اخلاق و قانون‌گذاری، فایده را چیزی می‌داند که «برخورداری، سود، لذت، خیر یا خوشی» را «در جمعی که علایق و منافعش مورد توجه» است ایجاد نماید و از وقوع «خباثت، درد، شر یا ناخوشی» در آن جمع جلوگیری نماید و در تبیین «جمع» می‌گوید: «اگر آن جمع یک شخص خاص باشد، آن‌گاه منظور از جمع، خوشی همان شخص خاص خواهد بود» (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Chapter 1: the Principle of Utility, p. ۶). (شیرزاد پیک‌حرفه، خاستگاه نخستین تاریخچه واکاوی و نقد گونه‌های کلاسیک و مدرن فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق انگلو ساکسن و انگلو امریکن، ص ۷۲-۷۳)

بررسی

اگر اخلاق، افراطی باشد و در مطالبات خویش، طاقت و وسع انسان‌ها را در نظر نگیرد، انسان‌ها اخلاق‌گریز می‌شوند و اخلاق خودمتناقض می‌شود. برای جلوگیری از چنین زلزله‌ای بزرگان سودگرایی مصلحت‌تراشی کرده و تکلیف صعود به قلهٔ اورست را در حدّ جنگل‌پیمایی کاهش داده‌اند. برابری تکالیف اخلاقی با وسع و طاقت انسان‌ها، از اصول عقلانی و بدیهی بوده و در قرآن ذکر شده است: «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶/۲) خداوند هیچ‌کس را جز به‌قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

۱۱. متفاوت ندانستن لذت و الم

بنتام در بحث از لذت و الم آن‌ها را در یک حوزه قرار می‌دهد. یعنی طوری از آن‌ها صحبت می‌کند که گویی هر دو یک چیزند (Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Chapter 5: The Kinds of Pleasure (and Pain, p. 24-29)

بررسی

با این حال تفاوت‌هایی هم مشاهده می‌شود. برای مثال، الم می‌تواند در مکان قرار گیرد؛ چنان‌که می‌گوییم پادرد یا گوش‌درد داریم. حال آنکه به نظر نمی‌رسد لذات دارای چنین خصوصیتی باشند. به نظر می‌رسد الم به‌خلاف لذت، احساس معینی باشد. آلام معلول علت‌های مشخص هستند. لذات اصولاً قابل تفکیک از اعمال نیستند. فی‌المثل اگر خراشی در بدن پدید آید به‌دنبال آن رنج حاصل می‌شود، یعنی این دو رویداد جدا از یکدیگرند. حال آنکه به نظر نمی‌رسد لذت موسیقی با شنیدن یا نواختن، قابل تفکیک از موسیقی باشد (نیکولاس کاپالدی، بنتام میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۴۲-۴۳).

نتیجه‌گیری

مطالبی که سودگرایان بعد از بنتام مطرح کرده‌اند، در واقع شرح و تفسیر و نقدهای بر کتاب «مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری» است. بنتام در کتاب خویش، درصدد توضیح و تبیین و مستدل کردن گزارهٔ «تنها عمل و قاعده‌ای درست و الزامی است که بالاترین میزان فایده و سعادت را برای بیشترین افراد جامعه در پی داشته باشد» است. این گزاره به اصل فایده و اصل سودمندی مشهور است. در این مقاله با ارائهٔ شواهدی از کتاب بنتام، برخی از نظرات وی تبیین و بررسی شد. از نقاط ضعف سودگرایی بنتام، توجه نکردن به دین و لذات اخروی است. وی همچنین برخی از آموزه‌های دینی مانند زهد را در تضاد با شادکامی و فایده‌گرایی دانسته است؛ درحالی‌که با تفسیری از زهد که براساس آموزه‌های دین اسلام ارائه کردیم، همسوئی

ضمنی بین زهد و سودگرایی حاصل می‌شود؛ علاوه بر آنکه در دین اسلام، آیات و روایات فراوانی درباره خدمت به خلق و آبادانی و سعی و تلاش وارد شده است که همگی باعث نفع‌رسانی به اجتماع و ارتقاء شادکامی است.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی، ۱۳۶۶ش، علل الشرایع، مترجم: هدایت‌الله مسترحمی، تهران: کتاب‌فروشی مصطفوی، چ ششم.

احمدی، غلامعلی، نقد و بررسی سودگروی در فلسفه اخلاق، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، کارشناسی ارشد، رشته فقه و معارف اسلامی گرایش فلسفه اسلامی، استاد راهنما: محمدتقی اسلامی، استاد مشاور: محمدامین احمدی، مهر ۱۳۸۵.

ارسطو، ۱۳۶۸، اخلاق نیکوماخوس، ج ۲، مترجم: ابوالقاسم پورحسینی، تهران: دانشگاه.

استراترن، پل، ۱۳۸۹، آشنایی با جان استوارت میل، مترجم: کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز، چ اول.

استیوارت میل، جان، ۱۳۹۷، فایده‌گرایی، تهران: نشر نی، مترجم: مرتضی مردیها، چ هفتم.

افلاطون، ۱۳۹۸، دوره آثار افلاطون (۴ جلد)، مترجم: محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی.

سیدکباری، سیدعلیرضا، ۱۳۷۲، فلسفه لذت در حوزه جامعه‌شناسی شناخت، پژوهشکده باقرالعلوم.

پیک‌حرفه، شیرزاد، ۱۳۹۴، خاستگاه نخستین تاریخچه واکاوی و نقد گونه‌های کلاسیک و مدرن فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق انگلو ساکسن و انگلو امریکن، تهران: نگاه معاصر، چ اول.

حسینی سورکی، محمد، ۱۳۹۰، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، «بررسی و نقد سودگرایی اخلاقی»، س ۱۲، شماره ۴۷، ص ۸۷-۱۲۶.

خواص، امیر و حسینی قلعه‌بهمن، اکبر و دبیری، احمد و شریفی، احمدحسین و پاکپور، علی و اسلامی، ۱۴۰۰، محمدتقی، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ویراستار: امیرعباس رجبی، قم: دفتر نشر معارف، چ شانزدهم.

دبیری، احمد، ۱۳۹۴، فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی، قم: دفتر نشر معارف، چ سوم.

راسل، برتراند، ۱۳۷۳، تاریخ فلسفه غرب، مترجم: نجف دریابندری، تهران: پرواز، چ ششم.

فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۹۸، فلسفه اخلاق، مترجم: انشاءالله رحمتی، تهران: حکمت، چ چهارم.

غرویان، محسن، ۱۳۹۱، فلسفه اخلاق، تهیه‌کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم: زمزم هدایت، چ اول.

غرویان، محسن، ۱۳۸۰، فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام، قم: مؤسسه فرهنگی یمین، چ دوم.

کاپالدی، نیکولاس، ۱۳۸۳، بن‌تام میل و مکتب فایده‌گرایی، مترجم: محمد بقایی، تهران: اقبال.

کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۲، تاریخ فلسفه: از بن‌تام تا راسل، ۱۳۸۲، مترجم: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و سروش، چ سوم.

گلستانی، مجتبی، پایان‌نامه با عنوان: بخش‌هایی از کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری، نگارش: جرمی بنتام / ترجمه و مقدمه، استاد راهنما: منوچهر صانعی دره‌بیدی، استاد مشاور: احمد مسگری، سال انتشار ۱۳۸۰، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کارشناسی ارشد، رشته فلسفه.

لی اندرسن، سوزان، ۱۳۹۷، فلسفه جان استیوارت میل، مترجم: خشایار دیهیمی، تهران: فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم.

معلمی، حسن، ۱۳۹۴، مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ دوم.

معلمی، حسن، ۱۳۹۸، فلسفه اخلاق، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چ چهارم.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، فلسفه اخلاق، تهران: بنیاد ۱۵ خرداد، چ دوم.

میل، جان استوارت، ۱۳۸۰، زندگی‌نامه خودنوشت، مترجم: فریبرز مجیدی، مقدمه: هرولد لسکی، تهران: مازیار، چ اول.

Bentham, Jeremy, 2017, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Jonathan Bennett.

Driver, J. (2009). The History of Utilitarianism. In the Stanford Encyclopedia of Philosophy (Summer 2009 Edition). Edward N. Zalta (ed.).

Rawls, John, 1971, A Theory of Justice. Cambridge, MA: Harvard University Press.